

در حالی که صحنه‌ی سیاسی ماهنوز از ساواک و سیا پاک نشده و حتی یک نفر است هم در این باره نداده‌اند و نمی‌دهند، در حالی که قراردادها و روابط استعماری هنوز به طور رسمی در جای خود باقی است و... چگونه می‌توان از "انقلاب فرهنگی" دم زد.

الذین كفروا و صدوا عن سبيل الله
اضل اعمالهم

کسانی که کفر ورزیدند (بر روی حقایق تکاملی هستی پرده کشیدند) و سد راه خدا گشتند، اعمالشان ضایع و تباها و نابود شده است. سوره‌ی محمد (ص) آیه‌ی ۱

چرا مامورین ساواک سرکار خود برمی‌گردند؟!

نامه‌ی یک پاسدار اخراجی به "مجاهد"

نشریه‌ی مجاهد: پس از سلام و درود فراوان، باید بگویم که این نامه را با انگیزه‌ای تیرورگرفته از مقاله‌ی مندرج در مجاهد شماره‌ی ۴۵ نوشتام با این نیت که آیا ساواک دارد دوباره پامی‌گیرد؟ که برادری از زاهدان برای شما نوشته بود. البته من تا این لحظه برخورد خود را با مسئله‌ی مشابه به آنچه که در آن نامه بود گذرا و بی‌تفاوت می‌دانستم ولی با جوی که در حال حاضر حاکم بر جامعه‌ی ما می‌شود لازم دیدم مشاهدات خود را در زمان پاسداری در کمیته‌ی نوربان "منطقی" اختیار ما گذارده‌ام که گروهی

از آنها مربوط به ماسینهای متعلقه به ساواک منحل بود و گروهی متعلق به تاکسیهای دزدی شده، ما در حال گشت بودیم که ماسین نور ۲ با بی‌سیم خبر داد که نور ۱ فوراً خود را به آدرس بارک کوروش بالاتر از بل

آقایان چرا خودتان را خسته می‌کنید، درست است که ما ساواکی بودهایم، ولی حالا به دستور نخست‌وزیری ما موریت داریم و در ادارهای به نام "اداره‌ی کل ندوم انقلاب" عضویت داریم و تازه شما فقط ما را گیرنده‌ی آن در صندوق عقب ماسین

سید خندان برسان، و ما نیز بلافاصله عازم محل شدیم، مشاهده کردیم که دوستان مادر ماشین گشت نور ۲ تاکسی را که دارای شماره‌ی سری تاکسی‌های ساواک بود با سرشنینی ۲ شخص متوقف کرده‌اند، و جالب

نامه‌ی روابط عمومی هما به مجاهد درباره‌ی قرارداد ایرباس

سر دبیر ارجمند روزنامه‌ی مجاهد در بحب‌وحشمین شماره‌ی ۸ اردیبهشت ۱۳۵۹، مطلبی تحت عنوان "قرارداد خرید ایرباس-مونه" ای از جهت گیری طبقاتی دولت درج شده بود که محتوای آن در ارتباط با صنعت هواپیمائی و جهانگردی، کاملاً "معرضه به رشته‌ی تحریر کننده شده و غاری از حقایق و واقعیهایی عیبی بود. ایگان آن که به صرف یک احساس مسجور یا برداشت غلط، و بدون هیچگونه معلومات و آگاهی از مسائل به نقد و بررسی امور می‌نویسد بقیه در صفحه ۲

در حاشیه‌ی مرحله‌ی دوم انتخابات شهرستانها

انتخابات مرحله‌ی دوم مسجد سلیمان با شرکت دو کاندیدا، یکی سید جواد موسوی زاده از ائتلاف بزرگ و دیگری عزت الله (محمد) روزبان از سازمان مجاهدین خلق ایران در جمعه برگزار شد. صبح روز شنبه ۲/۲۵ مشخص شد که کاندیدای مجاهدین خلق انتخاب شده است ولی از آنجا که این به مذاق عده‌ای خوش نمی‌آید تعدادی شکایت به طور سیستماتیک توسط پاسداران مستقر در حوزه‌ها تنظیم گردیده و همراه با صندوقها و صورتجلسه تقدیم اجمن نظارت مسجد سلیمان می‌شود. تعدادی از اعضاء انجمن نظارت مرکزی از استخراج و اعلام نتایج انتخابات بهانه‌ی رسیدگی به شکایات سرراز زده‌اند، در حالیکه طبق قوانین مصوبه بایستی نتایج انتخابات اعلام شود و دو روز مهلت برای تسلیم شکایات از سوی معترضین و دو روز بعد از آن هم فرصت برای رسیدگی به شکایات مقرر گردیده است. جالب اینجاست که سه نفر از اعضاء اجمن نظارت مرکزی تلگرافی در تاریخ ۲/۲۶ برای ستاد انتخابات وزارت کشور ارسال داشته‌اند (متن تلگراف در زیر می‌آید):

بازهم انحصار طلایی در مسجد سلیمان: نامه‌ی سه تن از اعضاء انجمن نظارت مرکزی بر انتخابات مسجد سلیمان

پاسخ به روابط عمومی هما

ماستش ما تا بحال خیال می‌کردیم که رژیم شاه وابسته و نوکر امپریالیستها بود و هر قراردادی هم که سینه، اول خدمت به منافع اربابان را در نظر داشته، درست است که روابط عمومی هما کوشش بسیاری در زدودن این "توهم" کرده اما چه کنیم که با همه‌ی این توضیحات، ما باز هم نمی‌توانیم باور کنیم که قرارداد خرید ایرباس جهت رفاه حال "هموطنان غیور و مبارز" و به این علت که "ایرباس مناسب‌ترین و با صرفه‌ترین هواپیما برای پروازهای داخلی" است، منعقد شده.

در این مورد گویا اختلاف ما و برخی مقامات مسئول (چه در "هما" و چه در جاهای دیگر) هم در همین نکته باشد که ما به همه‌ی قراردادهای که رژیم سابق با امپریالیستها (چه آمریکائی و چه اروپائی) بسته به دیدهای شدیداً مظلون نگاه

اعلامیه‌ی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران راجع به تعطیل بعضی چاپخانه‌ها

در حالی که استمداد نهادهای مطبوعاتی در برابر هجوم و آزار مداوم گروه‌های مسئول و غیر مسئول به هیچ جا نرسیده و هیچ مرجعی رسمی موضع قاطعی در مقابله با این فشارها اتخاذ نکرده است، حرکت تازه‌ی، این بار از سوی یک مرجع عالی رسمی، بعد بسیارنگران کننده‌ای بر ناامنی فضای نشر خبر و اندیشه افزوده است. به موجب حکم رسمی دادستان کل انقلاب اسلامی، در روزهای اخیر چندین چاپخانه مهر و موم و مسئولان آنها دستگیر شده‌اند. این اقدام دادستان کل انقلاب اسلامی، که حتی با نفس قانون اساسی نیز در تضاد است، به موجب شده که امنیت فعالیت در رشته‌های نشر کتاب و نشریات، به شدت به خطر افتد و گروه تازه‌ای نیز بر کارگران و کارکنان بی‌گناهی مطبوعات و چاپخانه‌ها افزوده شوند.

دادستانی انقلاب دلیل تعطیل این چاپخانه‌ها را چاپ برخی نشریات ضد انقلابی در این چاپخانه‌ها عنوان کرده است. در حالی که از تحقیقات سندیکای ما چنین بر نمی‌آید که در روزهای اخیر، دادگاهی صالح برای تعیین "ضدانقلابی" بودن این نشریات که احتمالاً در چاپخانه‌های فوق چاپ می‌شده، تشکیل شده باشد. آنچه به شدت بر نگرانی نهادهای مطبوعاتی، و سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات می‌افزاید این است که حتی در صورتی که "ضدانقلابی" بودن نشریات مورد ادعای دادستانی کل در دادگاهی صالح به اثبات رسیده بود، این حکم به هیچ وجه و بر اساس هیچ یک از موازین موجود، نمی‌توانست تعطیل چاپخانه‌ها و مهر و موم کردن آنها را توجیه کند. تعطیل چاپخانه به اتهام چاپ نشریات "ضدانقلابی" خود به خود به معنی تعطیل شدن همه‌ی نشریات دیگریست که در آن چاپخانه چاپ می‌شود. ما از دادستان کل انقلاب می‌پرسیم که آیا به نظر ایشان صدور چنین حکمی قانونی و عادلانه است؟

از سوی دیگر سندیکای ما، همواره بر لزوم صدور امتیاز چاپ نشریات تازه با فشاری کرده و رفع محدودیت‌های غیر قانونی صدور امتیازهای تازه یکی از عوامل موثر در پیشبرد آگاهی‌های اجتماعی و همچنین اشتغال صدها روزنامه‌نگار و کارگر مطبوعاتی بیکار شده می‌داند. اکنون نهمین اقدام قاطعی از طرف وزارت ارشاد ملی در این زمینه مشاهده نمی‌شود، بلکه تعطیل چندین چاپخانه، بعد تازه‌ای بر شکل حل نشده‌ی مطبوعات می‌افزاید و آینده‌ی مطبوعات را با خطری جدی روبرو می‌کند. در واقع، اگر با تصمیمات یک جانبه‌ی کنونی مقابله نشود، کدام موسسه مطبوعاتی و انتشاراتی می‌تواند به ادامه‌ی کار خود مطمئن باشد.

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات، ضمن اعتراض به بسته شدن چاپخانه‌ها، برای چندمین بار به لزوم برقراری دادگاههایی صالح برای بررسی تخلفات مطبوعاتی با فشاری می‌کند. و از همه مراجع ذیصلاح قانونی می‌خواهد که با برقراری این دادگاهها و پیروی از مفاد قانون اساسی و مقررات رسمی، با بی‌قانونی خطرناک و مداوم حاکم بر زندگی مطبوعات مقابله کنند.

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات

پدیده‌های بنام چماق و چماق داری

پیام امام در باره‌ی چماق داری قبل از پیروزی قیام

چماق و چماق داری پدیده‌ی جدیدی نیست که تا آنجا باشد. ما این پدیده در زمان مصدق کبیرخوئی آسیای داریم، که چگونه جاقوکسان و چماقداران تنعاری بیخ در کودنای سنگین ۲۸ مرداد نقش بازی کردند. در جریان سالهای ۴۲-۴۹ نیز سونه‌هایی از آن را بیاد داریم و عجیب اینجاست که مثل هر پدیده‌ی دیگری هرچه حلور آمده تکامل یافته و پیچیده و بیچیده تر شده است. ما با شکل گسترده‌ی چماق داری در زمان شاه روبرو بودیم و دیدیم که چگونه حتی مساجد و کتابخانه‌ها و بیمارستانها و... هم از یورش و حسیه‌های آنها در امان نمی‌ماند. اما فکر می‌کردیم که با پیروزی انقلاب دیگر با این پدیده‌ی مخموس اجتماعی سروکاری نخواهیم داشت. اما ما سغانه نه تنها جلوی چماق و

چماق و چماق داری پدیده‌ی جدیدی نیست که تا آنجا باشد. ما این پدیده در زمان مصدق کبیرخوئی آسیای داریم، که چگونه جاقوکسان و چماقداران تنعاری بیخ در کودنای سنگین ۲۸ مرداد نقش بازی کردند. در جریان سالهای ۴۲-۴۹ نیز سونه‌هایی از آن را بیاد داریم و عجیب اینجاست که مثل هر پدیده‌ی دیگری هرچه حلور آمده تکامل یافته و پیچیده و بیچیده تر شده است. ما با شکل گسترده‌ی چماق داری در زمان شاه روبرو بودیم و دیدیم که چگونه حتی مساجد و کتابخانه‌ها و بیمارستانها و... هم از یورش و حسیه‌های آنها در امان نمی‌ماند. اما فکر می‌کردیم که با پیروزی انقلاب دیگر با این پدیده‌ی مخموس اجتماعی سروکاری نخواهیم داشت. اما ما سغانه نه تنها جلوی چماق و

بقیه از صفحه اول

پاسخ به روابط عمومی هما

برواز میکند! خوب باشد! اما بالاخره بگویند ببینیم آیا زحمتکش و محرومانی که ۸۰٪ مردم را تشکیل می دهند می توانند با این "ایرباس" ها "برواز کنند یا نه؟ روستائیان ما آیا می توانند با "ایرباس" بجهل-یشان را به کلاس بالاتر در شهر بفرستند یا نه؟ آیا می توانند با "ایرباس" مریشان را که دارد روی دستشان می میرد به دکتر برسانند یا نه؟ آیا می توانند با "ایرباس" محصولشان را که دارد از زمین می رود به بازار برسانند یا نه؟ آیا می توانند... شما خودتان هم می دانید که بحث ما بر سر این نیست که "صنایع نوین و... نمی خواهیم، یا مثلا" می خواهیم که آسمان ایران جولانگاه شرکت های هواپیمایی خارجی باشد (هرچند که اکنون جولانگاه نیروی هوایی امریکاست!) بلکه بحث بر سر این است که آیا ما واجب تر از اینها نداریم؟ و آیا همچنان باید اسیر قراردادهایی باشیم که رژیم شاه خائن برای پرکردن جیب خود و اربابانش به ما تحمیل کرد؟

دست از استفاده از هرگونه تولیدات تکنولوژیکی کشید و... خلاصه ما را منجم کرده اند به زحمت با علم و تکنولوژی و مظاهر تمدن! در حالی که تا حالا ما متهم بودیم به "علم زدگی"!

یادمان هست که در دوران شاه اگر کسی دهان باز می کرد و مثلا به صنایع مونتاژ یا به طرح عمران جزیره کیش یا به هزینه های سرسام آور راکتورهای اتمی و... از این قبیل اعتراض می کرد، رژیم فوراً جواب می داد: یعنی شما صنعت نمی خواهید؟! "کشور ما باید همیشه عقب مانده بیعولها زندگی کند؟ یا مظاهر تمدن مخالفت می کنید؟ یا علم و تکنولوژی دشمنی می ورزید؟!... اصولا سرمایه داران و امپریالیست ها و ابادی آنها مطامع خود راهمیشه لای زور و علم و تمدن و تجدد می بیچند و به خورد مردم می دهند. و باز فراموش نکردیم که رژیم شاه از بابت همین قراردادهای ایران بریاده که فقط یک نمونه از آن را ما در مقاله ی پیش مورد بحث قرار دادیم چه منتها که به اسم تمدن- بزرگ و... بر سر مردم نمی گذاشت!

۲- ما نه تنها با علم و تکنولوژی و دستاوردهای آن مخالف نیستیم، بلکه آن را ابزاری برای رهایی انسان و نردبانی جهت تعالی بشر به شمار می آوریم، اما در عین حال مخالف آن علم و تکنولوژی هستیم که محمل و پوش نفوذ و تسلط امپریالیسم باشد و بر فاضلی حقیقتی بیفزاید

در مقاله ی پیش مورد بحث قرار دادیم چه منتها که به اسم تمدن- بزرگ و... بر سر مردم نمی گذاشت!

۲- ما نه تنها با علم و تکنولوژی و دستاوردهای آن مخالف نیستیم، بلکه آن را ابزاری برای رهایی انسان و نردبانی جهت تعالی بشر به شمار می آوریم، اما در عین حال مخالف آن علم و تکنولوژی هستیم که محمل و پوش نفوذ و تسلط امپریالیسم باشد و بر فاضلی حقیقتی بیفزاید

آیا با وابستگی های امپریالیستی می توان از فقر و مسکنت نجات یافت؟

نوشته اید: "مجاهد تصور می کند که امت مسلمان ایران همیشه در فقر و مسکنت دست و پا خواهد زد... آری واقعا" ما معتقدیم تا وقتی که امپریالیست ها با ابقاء چنین قراردادهایی حاکم بر سرنوشت ما هستند امت مسلمان ایران همیشه در فقر و مسکنت و عقب ماندگی دست و پا خواهد زد!

بارها گفته ایم و باز ناچاریم تکرار کنیم که خروج از مدار فقر و عقب ماندگی بدون بریدن از وابستگی های امپریالیستی جز خواب و خیالی بیش نیست. وابستگی که شاخ و دم ندارد! همین قرارداد خرید ایرباس که شما از آن دفاع می کنید نمونه ی دقیق آن است. شما از "مبالغه گزافی که این هواپیماها نصیب کشور می کند" سخن می گوئید. اما نمی گوئید این پولها نهایتا" به جیب چه کسی می رود؟ چرا از صدها میلیون و میلیاردی که برای خرید آنها باید به امپریالیست ها تقدیم کنیم حرفی نمی زنید؟ "رونق - اقتصادی"، "استفاده از تکنولوژی" "برخورداری از پیشرفتهای علمی" و رسیدن به "تمدن... همه الفاظ

ما کجا نوشته بودیم که "باید صنعت هواپیمایی را از میان برد و از هرگونه تولیدات تکنولوژیکی استفاده نکرد..."

حرف ما بر سر اولویت هاست، جوهر حرف ما هم در آن مقاله این بود که: "در مملکتی که اکثریت روستائیان که بیشترین جمعیت کشور را تشکیل می دهند هنوز از جاده و از ابتدای ترین وسایل حمل و نقل این عصر محرومند، خریدن "ایرباس" چه معنی دارد؟" ما معتقدیم باید از ابقاء قراردادهای ننگین امپریالیستی که جیب امپریالیست ها را پر می کنند و پایشان را به این مملکت باز می کنند در مقابل فقط قشر محدودی از آنها استفاده می کنند چشم پوشید. حالا "روابط عمومی هما" چسبیده است به اینکه ایرباس برای پروازهای خارجی نیست و فقط در داخل کشور

ما کجا نوشته بودیم که "باید صنعت هواپیمایی را از میان برد و از هرگونه تولیدات تکنولوژیکی استفاده نکرد..."

حرف ما بر سر اولویت هاست، جوهر حرف ما هم در آن مقاله این بود که: "در مملکتی که اکثریت روستائیان که بیشترین جمعیت کشور را تشکیل می دهند هنوز از جاده و از ابتدای ترین وسایل حمل و نقل این عصر محرومند، خریدن "ایرباس" چه معنی دارد؟" ما معتقدیم باید از ابقاء قراردادهای ننگین امپریالیستی که جیب امپریالیست ها را پر می کنند و پایشان را به این مملکت باز می کنند در مقابل فقط قشر محدودی از آنها استفاده می کنند چشم پوشید. حالا "روابط عمومی هما" چسبیده است به اینکه ایرباس برای پروازهای خارجی نیست و فقط در داخل کشور

بقیه از صفحه اول

نامه ی روابط عمومی هما به مجاهد

"هما" تصمیم گرفت در بازار داخلی به عرضه ی صنعتی بیشتر بپردازد و لذا مطالعات دقیق و بررسی های مستمری را بر روی انواع هواپیماهای موجود در صنایع هواپیماسازی به انجام رساند و بالاخره به این نتیجه رسید که "ایرباس" مناسب ترین و با صرفه ترین هواپیما برای پروازهای داخلی می باشد و لذا قرارداد خرید ۶ فروند از این هواپیما را با کارخانه سازنده به امضا رساند که قرار بود طی سالهای ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱ به "هما" تحویل گردند. اوج گرفتن انقلاب اسلامی ایران و اعتصابات "هما" به علاوه اخباری که نسبت به فتح قرارداد خرید ایرباس در جهان منتشر شد کارخانه سازنده را وادار نمود تا سه فروند از هواپیماهای سفارشی "هما" را به سایر شرکت ها بفروشد و پس از پیروزی انقلاب، "هما" بر آن شد تا طی شرایطی این سفارش هواپیماهای ایرباس خود را تعقیب نماید. این شرایط عبارت بودند از:

۱- آموزش کادرفنی و پروازی "هما" بدون پرداخت هیچگونه وجهی.

۲- سرویس و نگهداری این هواپیما توسط کارشناسان و کارگران با تجربه ی ایرانی و به تأیید منحصصین کارخانه سازنده، کارگران و مهندسان ایرانی از بهترین کارخانگان در سطح جهان می باشد و با آمادگی کامل این وظیفه ی مهم را به انجام خواهند رساند. فقط دو معلم آموزش پروازی برای مدت محدودی به کادر پروازی "هما" تعلیمات لازم و کفایت را خواهند داد. پس پروزی خرید ایرباس یک پروژه ی ایرانی است.

بدانند که تازی جز تخریب افکار و تحریف واقعیتها نمی کنند و دیر یا زود با واکنشهای بهنجار جامعه روبرو خواهند شد، و خدا کند که مدعیان ناحق، روزی حدود خویش را بسناسند و بدانند که وجدان جامعه همیشه بیدار و هشیار است تا به صافوت نشید و خورسید را از ظلمت رها کند...

لذا خواهشمند است برای آگاهی عموم، با حق مطلب مویالدگر را در صفحات و با حروفی که آن مطلب جاب شده بود به شرح زیر درج فرمایید:

مجاهد در مقاله اش تحت عنوان "قرارداد خرید ایرباس، سوهای از جهت گیری طغفانی دولت" می نویسد که انقلاب باید در جهت مافع محرومین باشد و در همان طور اول نتیجه گیری می کند که باید صنعت مهمی چون حمل و نقل هوایی را با راکد نگه داشت یا از میان برداشت. مجاهد تصور میکند که امت مسلمان ایران همیشه در فقر و مسکنت دست و پا خواهد زد و لذا حسن ملتی نیازمند صنایع نوین نیست اهمیتی نظیر حمل و نقل هوایی نیست و می نویسد که هواپیمایی چون ایرباس "ازمانه تران" را به آن سوی آنها و سهرای رویائی اروپا و امریکا پرواز خواهد داد، در حالی که ایرباس به سهرای اروپا و امریکا پرواز نمی کند بلکه فقط در خطوط داخلی که صدها هزار نفر از هموطنان عبور و مبارز در طول سال از آن استفاده می کنند پرواز می کند و مطلوب نیست چگونه این قشر عظیم را روزنامه ی مجاهد از مانه تران می خواند.

۱- آموزش کادرفنی و پروازی "هما" بدون پرداخت هیچگونه وجهی.

۲- سرویس و نگهداری این هواپیما توسط کارشناسان و کارگران با تجربه ی ایرانی و به تأیید منحصصین کارخانه سازنده، کارگران و مهندسان ایرانی از بهترین کارخانگان در سطح جهان می باشد و با آمادگی کامل این وظیفه ی مهم را به انجام خواهند رساند. فقط دو معلم آموزش پروازی برای مدت محدودی به کادر پروازی "هما" تعلیمات لازم و کفایت را خواهند داد. پس پروزی خرید ایرباس یک پروژه ی ایرانی است.

۳- اگون به سایر جنبه های مسئله اشاره می کنیم: "هما" سازمانی پیشرفته و ارگان اقتصادی مهمی است که از قبال آن چند صد هزار نفر منتفع می شوند (کارکنان "هما"، خانواده ها، کارکنان موسسات سفارشی و جهانگردی) و بدون هواپیما نیز قادر به کار نخواهد بود. هواپیما وسیله ی نقلیه ی مهم اما ظریفی است که فقط تعداد معدودی از کشورهای قادر به تولید آن هستند و سایر کشورها برای حفظ زبرد هوایی خود و بهره مندی از آسمان خویش مجبورند از همین معدود کشورها هواپیما خریداری نمایند و "هما" ایران نیز نمی تواند جدا از سایرین عمل کند. همیشه تا این زمان منحصصین و کارگران ورزیده ی "هما" نتوانسته اند امور فنی و پروازی را بدون اتکاء به کارشناسان خارجی انجام دهند، خود افتخار بزرگی است که بسیاری از کشورهای دیگر فاند چنین توانائی هائی هستند.

مجاهد، باید نمی داند که آسمان هر کشوری، در دوران کوسوی از منابع عظیم ثروت آن کشور به حساب می آید و تردد هوایی، علاوه بر اهمیت های ارتباطی، در زمینه ی تبادلات اقتصادی و اجتماعی نیز نقش اساسی دارد و درآمد حاصل از آنها این برسد. در هر حال، مبالغه گزافی را نصب کشورها می نماید. حال اگر مجاهد مایل است هواپیمایی ملی ایران به دلیل وابستگی تکنولوژیکی به سایر کشورهای کارش را تعطیل کند یا به دلیل عدم نیاز محرومین به هواپیما دست از فعالیت بکشد، پس پیشنهاد می کند کدام شرکت

مجاهد، باید نمی داند که آسمان هر کشوری، در دوران کوسوی از منابع عظیم ثروت آن کشور به حساب می آید و تردد هوایی، علاوه بر اهمیت های ارتباطی، در زمینه ی تبادلات اقتصادی و اجتماعی نیز نقش اساسی دارد و درآمد حاصل از آنها این برسد. در هر حال، مبالغه گزافی را نصب کشورها می نماید. حال اگر مجاهد مایل است هواپیمایی ملی ایران به دلیل وابستگی تکنولوژیکی به سایر کشورهای کارش را تعطیل کند یا به دلیل عدم نیاز محرومین به هواپیما دست از فعالیت بکشد، پس پیشنهاد می کند کدام شرکت

چرا مامورین ساواک سرکار خود برمی گردند؟!

بازداشت کردید. ما در موقع حرکت شش تا کسی بودیم و مرتباً با بی سیم با هم تماس داشتیم و جالب تر اینکه آنها مدعی بودند ما مانع ماموریت اینان بودیم، من هرچه سعی کردم بفهمم ماموریت آنها چیست، چیزی دستگیرم نشد و فقط مشاهده کردم که رئیس کمیته ی ماموریت با جاهای مختلف تلفنی تماس می گیرد و هرآن وحشت زده تر و ناراحت تر می شود.

روز بعد که من برای خستگسی بعد از شب که معمولاً دو یا سه می ماندم به خانه می رفتم مشاهده کردم که رئیس کمیته با ادب هرچه تمام تر ذره ذره ی تاکسی را صورت مجلس می کند و تحویل آقایان ساواکی های قدیم و ماموران کمیته ی تداوم انقلاب جدید می دهند.

بعدها رئیس کمیته گفت که بر اثر فشارهایی که از بالا وارد شد مجبور به آزادی آنان شده.

به هر تقدیر من فقط مشاهده ام را همانطور که بوده و دیدم برای شما نوشتم و حاضر من آن قسم هم بخورم و در هر جایی شهادت بدهم ولی آیا شهادت من به کدام بیدادگاه ارجاع خواهد شد، شما

بگوئید؟ به هر صورت کمیته ی ما درست است که عناصر فاسد و ناخلف بسیار داشت ولی افرادی مثل من (م-ن) پاسبان (الف-م) و چندتای دیگر که یادشان گرمی باد، نیز وجود داشتند و آنها بودند که با جان و دل تصمیم بر پاسداری از یکی از نهادهای انقلابی را داشتند که متاسفانه آنان نیز همچون من به جرم متماثل بودن به مجاهدین و چسباندن اعلامیه های سازمان با آنان که در حال دزدی و سوء استفاده بودند در یکجا جمع بندی شدند و به قول خودشان دست به سرمان کردند.

دست به سرکردن و یا بهتر بگویم تصفیه ی آنها مرا ناراحت نکرد چرا که با فدا شدن من مومن و دوستان مومن من گروهی فاسد نیز عقب زده شدند و فکر می کنم این ارزش آن را داشته.

به هر تقدیر امید به خدای بزرگ که جز او خالق نیست و جز مخلوقان متعبدش کسی را به خاندان راهی نیست.

درد بر شهیدان
م-ن، ۱۳۵۹/۲/۱

به بام خون و خاکستر

بدسیاوش شمن در جده رشیدی
که در راه دفاع آزادی برگی
خونین بر افتخارات توده های
ارتشی افزود

صدای خونناک خنده های گزها می پیر
که سرمست از شراب خون
به جسد شهیدان پای می گویند
بهروی لجه های خون، عین الله،
بهروی تکه های مغز، شکرالله
بهروی چشمهای روشن، پیروین،
و خون قلب گرم صد، سیاوش را،
بر روی دشنه ی خونریز خود مستانه می بویند
خدارا... ی مردم با شاهستم
صدای ضجه های گاندر کوچه های شهری پیچد
صدای ضجه های تلخ آزادی
صدای اشک سرخ گرد
نفیر بارش سرب مذاب تیر
و بعد از آن
صدای چکمه های خونی ظلم جبهان خواران
وبعد از آن... نگاه ی برقفاگانی است
زیانم لال؟! !

به اندوهان من در آسمان سرب این شهر
ببار ای ابر سنگین دل
که قلم می طید، مشب به خیزای زخم-
و درد
که می بینم بدام صبح،
زیانم لال، نه این صبح است؟! !
به بام خون و خاکستر
صلیب ظلم از خون جوانان رنگ می گیرد
خدا را... ای مردم با شاهستم
افق های خدائی رنگ را،
در پوششی از ننگ می گیرد

* * * * *

صدای چیست؟ صدای کیس
صدای سازش و زنجیر

* * * * *

روابط عمومی
هواپیمایی ملی ایران

* * *

اسماعیل وفا یغمایی

۵۹/۲/۱۷

سخنان برادر مجاهد مسعود

پولاریزاسیون جامعه که طبیعتاً افزایش تضادها و سرانجام تعارضها را به دنبال دارد، خط مشخصی است که ما میریالیست‌ها رویشان حساسند و کار کرده‌اند و باز هم می‌کنند.

رجوی در جمع استادان دانشگاهها و (۳) مدارس عالی

بر اساس اطلاعاتی که ما داریم بعداً وظیفه سازماندهی بقایای ساواک راه رفت و آمدها را و ... سفارت دولت "فخمیه" انگلستان به عهده گرفت و به همین دلیل الان سازمان‌های جاسوسی انگلیس در اینجا فعال هستند، نویسنده‌ی نامه بعد اشاره می‌کند که: "ولی یک محل دیگری بعد همکاری کرد که تا اندازه‌ای رفع کمبود شده است. توطئه‌گران از اوایل انقلاب شروع به جمع آوری افراد تقریباً بالای ساواک و افسران گارد و نوکران شاه کرده و آنها را زیر چتر جیره‌خواری خود قرار داده‌اند تا آنها هم که تمام افراد زیر دست خود را که فزونی و پایه لطف دولت بخشیده شده بودند، جمع - آوری نمایند. البته عده‌ای از این

سینیم که مبارزه قانونی به نتیجه نمی‌رسد یا امیرالیست‌ها، و ابادی‌تان به طور نظامی برخورد خواهیم کرد و در گذشته هم کرده‌ایم و بعد سرمان را بالا خواهیم گرفت و با کمال افتخار اعلام خواهیم کرد. اما ما حالا علیرغم همه انتقاداته نظم موجود را بدیرفته و امیدواریم که خود ناظمین هم آن را بدیرند. اما ریشه‌های این مسائل را در کجا بایستی پیدا کرد؟

(برادر مجاهد مسعود رجوی در اینجا روزنامه‌های را نشان می‌دهد و می‌گوید):

ملاحظه می‌کنید رسماً در روزنامه‌های خودمان گروهی از کارمندان ساواک با خرید می‌شوند. من نمی‌دانم که آیا با این جدیت که

● گزارنده شدن "ونس" به معنی اینست که لا اقل تا مدتی خط برژینسکی پیش‌خواهد رفت

● ما حالا علیرغم همه انتقادات، نظم موجود را پذیرفته‌ایم و امیدواریم که خود ناظمین هم آن را بپذیرند.

ساواکی‌ها از جمله خود من حاضر به همکاری نیستند و خوشحال بودیم که از سر دستگاه خونخوار شاه که مارا به آدمکشی کشانده بود، راحت شدیم، ولی متأسفانه وقتی که ما را دوباره پیدا می‌کنند هیچ راهی جز همکاری نداریم، چون در غیر این صورت ما را اذیت و تهدید می‌کنند و ...

حالا درست و غلط با خودش ولی به هر حال این مسائل توطئه‌ها را خنثی نخواهد کرد و احتیاج به بیداری مردم دارد، البته موفقیت توطئه‌ی نهایی به تعداد ساواکی‌هایی که جمع آوری می‌شوند، دارد، اگر مردم و مسئولین امر توجه نکنند روز به روز بیشتر می‌شوند.

همان ساواکی در نامه‌اش می‌نویسد:

"افراد جمع آوری شده تا کنون در توطئه‌های کوچک، زیاد شرکت کرده‌اند و من خوشبختانه توانستم گروهی را قبل از این که قرار بود جایی را متعجب کنند، لو بدهم." (داستان مفصل است، البته درست و غلط هم در آن هست.)

منظور من فقط فروله کردن این مسائل است. یکی از مواردی که خود این هم در اینجا گفته‌ایم: ایجاد آشوب در شهرها و شرکت در توطئه‌ها به عنوان گروه‌های طرفدار این سازمان ویا آن سازمان یا ظهور در نقش حزب‌اللهی‌های متحجر، و لاد شما همه‌تان حزب - اللهی‌های متحجر را تجربه کردید. ما که تجربه زیادی داریم، امروز صبح (لایه دیدید)، در یکی از روزنامه‌ها یا تیتیر بزرگ نوشته شده بود:

رهبر مجاهدین خلق ملایر با ۱۴ تا بصد دستگیر شد، جالب این که مجاهدین در آنجا نه دفتری دارند نه عضو دارند و نه که الان به بمب معتقدند، چون اگر این طور بود که در انتخابات شرکت نمی‌کردند. مضافاً بر این که، این بمب‌ها هدفش توده‌های ناآگاه مردم است و ننگت آور هم نیست که بعداً به ساختمان‌های مربوط به نیست و افراد آن هیچ رابطی رسمی با ما ندارند بلکه عده‌ای هوادار خودشان در آنجا با هم هستند، به چنین ساختمانی حمله می‌کنند و عده‌ای را هم محروم و زخمی می‌کنند، البته طبیعی است که هستند نیروهایی که خیلی خوششان بی‌آید ما به اصطلاح در این خط (بمب اندازی و ...) رفته باشیم، کما این که بعضی از نظایر همین روزنامه‌ها معتقد بودند که فرقان را ما به راه انداختیم. شکی نیست که در مبارزه‌ی ما امیرالیست‌ها و ساواک اگر ما نهایتاً

سخنرانی برادر مجاهد مهدی ابریشم چی (۳) در مراسم بزرگداشت مجاهد شهید مجید شریف واقفی

اگر محمد حنیف نژاد، امروز می‌بود، زیر همین باران تهمت‌ها بود، چرا که برای روز موضع می‌گرفت

بسیار این مادر فال دهنس اصلی هرگز به اختلافات فرعی و داخلی دامن نزدیم و از آن سوتهایی که باید در رابطه با دشمن اصلی استفاده کرد در رابطه با تضادها و اختلافات داخلی استفاده نکردیم و نمی‌کنیم و گفتیم که در قبال این کار افتخاری می‌کنیم و بر ملا می‌کنیم کار سیاسی می‌کنیم، تا وقتی که دشمن اصلی هست. سومین درسی که فرا گرفتیم، از داستان مجید شریف، این بود که اگر براه اعتقاد داری اگر میدانی که راهت حقه‌ای فکر می‌کنی راهی که شروع کردی راه خدا و خلقه، در سخت‌ترین روزهای ضربه و فشار امید را حق‌داری از دست بدهی حتی اگر وقتی رسیده‌اند که بقول ایس برادرمان اطرافترانگه بکنی، بیینی که باوران دیروز هم به توبیست می‌کنند و نه بقول او "نگفتم" نگفتم"ها شروع شد. همان کسانی که تا دیروز به یک آشنایی ساده با مجاهدین افتخار می‌کردند، امروز انواع تهمت‌ها را بعد از ضربه شریف به مازندران در آن روز برادرانی که راه مجید را ادامه دادند ضمن اینکه آن دو درس اول را عمیقاً بهیمن وفادار بودند، در آن فشار - فشار در داخل زندان - بیرون گفته می‌شود که سازمانی باقی‌نمانده و بدون شک ضربه‌ی بسیار کاری خورد و مطمئن بود که به این زودی سازمان - مان توی بیرون قد نخواهد کشید در داخل زندان از هر طرف شمانت و فشار - بایکوت، بعضی سروه‌های غیر مذهبی که خوب از اینکه یک سازمان این ضربه خورد و شاید به حقانیت خودشان فکر می‌کردند، در صورتی که استنباه می‌کردند، مرتجعین هم از طرف دیگر، ساواک هم که با ما کزیم فشار برای اینکه این موجودی را که سداست بالند داشت و خیلی پیش از آن دوتا می‌دانست که بالند است خفه کند، رخم را زده بود، آخرین ضربه را بزند و راحت کند. تیر خلاصی را هم شلیک کند. در این فشار برادرهای ما امید - شان را از دست ندادند و جسدمد به حبل الله و حبل الناس، محکم و استوار از ایدئولوژیشان دفاع کردند. در مقابل هیچ جریان غیر اصولی سازش نکردند و بعد هم هماطوری که دیدیم رشد کردند بقول قرآن: "انجاوکم من فوقکم و من اسفل و ان زاعقت الایصارو ..."

اون روز روزی بود که واقفا از فرط فشار گویی سیم به ریر گلو آمده - بود و حتی عده‌ای "نظنون بالله" به شک افتاده بودند، ولی در آن روز مومسن وفادار ایستادند با برجا و اسوار تا اینکه زاهشان پیش رفت اس هم سومین درس، این‌ها درس - جایی است که در هر مرحله از مبارزه و سگاری باید اگر به خون شریف معتقدیم به آن وفادار باشیم و فراموش نکنیم در مقابل اصول سازش نکنیم و اگر چه به قیمت کرائی برامان تمام شود و در مقابل هر نوع انحراف ایدئولوژیک در صفوف انقلاب و خصوصاً در درون سازمان مبارزه کنیم. دشمن اصلی را فراموش نکنیم، و در مقابل دشمن اصلی تضادهای داخلی را رشد ندهیم

اگر به راهت اعتقاد داری، اگر فکر می‌کنی راهی که شروع کردی راه خدا و خلق است، درست‌ترین روزهای ضربه و فشار، امید را حق نداری از دست بدهی.

می‌کنند. و کاربان لوت کردن رسالت شریف است. و از آن طرف این کسانی که امروز می‌خواهند از خون شریف دفاع بکنند و چنین وانمود می‌کنند مگر کاری می‌کنند جز نائید کردن همان منحرفینی که در قبال شریف بودند. مگر آنها جسی می‌گفتند، آنها می‌گفتند توب به شریف می‌گفتند، اسلامت، تواسلامی که معان اعتقاد داری این چنین است و آن چنان است، معتقد، به استعمار است معتقد به طبقات است، نمی‌خواهد کارگرها را به رفاه برساند، مگر آن کسانی که امروز ما را به اتهام اعتقاد به جامعه‌ی بی طبقه توحیدی پایا - برجایی بر نفی استعمار انسان از انسان به انواع اتهامات و افتراهای می‌گویند مگر خودشان همان کسانی نیستند که از اسلام مدافع طبقات دفاع می‌کنند؟ پس بسیار این آنها درست همان افراد مطلوبی هستند که در قبال شریف قرار گرفته بودند. همان ایوب - تونبستها که می‌خواستند مجید را با آن اسلام حامی طبقات هل بدهند، این مدافین امروزی شریف!! ک معتقد به نفی استعمار انسان از انسان نیستند و مجاهدس را به پتکائحاد و تکفیر می‌گویند، این خودشان از کسانی هستند که آب - آسیاب رشد چنین جریانهایی می‌ریزند و مگر نه این است که مکتبها؛ رقیب توحید فقط و فقط در سایه و حضور توحیدی است. اسم اسلام که معتقد به نفی استعمار نیست رشد کرده است. (از اول تاریخ بوجود آمدنش). و در یک کلام، سازمان مجاهدین یا با برجایی و استواری بر راه شریف در جریان عمل ثابت کرد که خدای که سازمان معتقد به آن هست، نه تنها در میدان فلسفه، و نه تنها در میدان بحث ایدئولوژیک این را ثابت کرد بلکه در میدان عمل این را متبلور کرد.

(ادامه دارد)

به دلیل ریشه‌های قطع ناشدنی ضد خلق در داخل کشور به دستگه‌های رسمی تدافعی مان، چندان اتکالی نمی‌شود کرد

۷۵۰ میلیون دلار برادار شده و از اینها گذشته ما ان الله در منطقه بازار رقابت برای پایگاه دادن به آمریکا گرم است. عمان، سومالی، کنیا، یمن سر هم و بالاخره اینکه بودجه نظامی آمریکا ۱۲۷ میلیارد دلار به ۱۴۵ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد.

از مجموع ایسها می‌خواهم نتیجه‌گیری کنم که اولاً در شرایط بسیار حساس بین المللی بصری بریم و نانیایدلیل ریشه‌های قطع ناشدنی ضد خلق در داخل کشور به دستگه - هبای رسمی تدافعی مان، چندان اتکالی نمی‌شود کرد. در مورد حمله اخیر، چند روز قبل از حمله یکی از متخصصین پیشین (CIA) قبلاً هشدار داده بود. ولی ما باز هم توجه نکردیم که در مطبوعات ایران هم به روز قبل منتشر شده است. "کوئلت" متخصص پیشین در سازمان جاسوسی آمریکا در امور ایران اظهار عقیده کرد که آمریکا وسایلی برای انجام یک حمله ناگهانی به منظور آزادی گروگانهای آمریکایی که از شش ماه پیش در سفارت آمریکا در تهران نگهداری می‌شود در اختیار دارد. کولند در یک مصاحبه‌ای که در چندین روزنامه‌ی آمریکایی درج شده

(ادامه دارد)

نگاهی به اخبار و رویدادها

“روباه پیر” به صحنه باز می‌گردد

امریالیسم در استفاده از هر رویدادی ریحان - چه خود - انگیزه و چه هدایت شده از کانال‌های خاص - زمینه مناسب برای بهره‌برداری را آماده ساخته و از هیچ تلاشی در این باره فروگذار نمی‌کند.

تلاش انگلیس در پایان دادن به جریان گروگان گیری سفارت ایران در لندن، نمونه‌ی بسیار خوبی از اعمال چنین شیوه‌ای است. انگلیس گویا منتظر چنین واقعاتی بود، چرا که در پی آن جرحی در سیاست “ناجر” در قبال ایران به نمایش گذارده می‌شود. وی که تا قبل از این واقعه، سرخست‌ترین مدافع طرح‌های آمریکا در باره ایران بود، به دنبال حاشیه بافتن این حرمان، “لرد - کارنگون” - وزیر خارجه‌ی انگلیس - را راهی آمریکا می‌نماید تا در مقابل سنکر کارتر به خاطر کمک برسانا، به نصیحت امریکائیان مبنی بر عدم استفاده از رور و لروم ایجاد راهپای مسالمت آمیز بپردازد. خود حاکم “ناجر” نیز حسم به “آمده” دوخته و اظهار امیدواری در حوزت می‌نماید.

سریست با بان با نسی کروگان گیری ایران در لندن را باید به سرلدی آعاری برای رخصتی مجدد امریالیسم انگلیس درخاوری - مباد به طور اعم و ایران به طور اخص قرارداد. به عبارت دیگر حفظ منافع امریالیسم در منطقه‌ی حلیح به عهده‌ی اروپای غربی خواهد بود. آنا اس یکی دیگر از حلقه‌های “روباه پیر” که رمای حورسند امریالیسم عروب می‌کند، سمد؟

• یونایتد پریس (۲/۱۴) - لرد کارنگون: تلاشی امریکایی برای حیات گروگان‌ها در تهران، کاملاً فاشی و سارحاجا عهه بود. اما واکنش جهان اسلام نشان داد که هر اقدام نظامی امریکا در ایران، به‌سبب منطقی حلیح فارسی، که رافعاسان و موقعت آنرا و اسرائیل سر ناسر خواهد داشت.

• رادو یوست کارلو (۲/۱۴) لرد کارنگون که از اسالات سجده دیدار می‌کند، مقامات مسئول امریکا را صحت کرده تا برای آزاد ساختن گروگان‌های خود در تهران به رور منوسل نسود

• یان دادن به بارداس کروگان‌ها در سفارت ایران در لندن با سرعت لازم و حد ابل ممکن از للمات حالی آرمش محافل دیلمام - سک لندن را برانگیخته است. برخی از این محافل عقیده دارند که برسانیا هم اکنون می‌تواند مان تهران و واسگتن برای حاشیه دادن به بحرانی گروگان‌های امریکایی - منجیری کند. به ویژه پس از این که از “مارگارت تاچر” نیز به خاطر فاطمیت در آن موضع تشکر شده است.

• آوسنید پریس (۲/۱۵) - “مارگارت تاچر” گفت، وی با یک برآزدی مشابه گروگان گیری که در بریتانیا اتفاق افتاده، درگیر شده است. وی گفت نمی‌تواند علاقه‌ی “کارتر” به آزادی گروگان‌های امریکایی را مورد سرزنی قرار دهد وی افزود: “اما من به آینده چشم دوختم”.

• “ناجر” گفت: “اگر ما نتوانیم این مساله را حل کنیم، می‌توانیم به حلو برویم”.

• رادو یوست تهران (۲/۱۸) - چون لایحه‌ی بحرم اقتصادی ایران بوجب افزایش بیگاری در صنایع تولیدی انگلستان خواهد شد، دولت انگلستان انتظار دارد این لایحه در پارلمان با مخالف‌هایی روبرو شود.

• آوسنید پریس (۲/۱۸) - دسرکل اتحادیه‌ی کارکنان علمی فنی و مدیریت انگلستان در نامه‌ای به نخست‌وزیر انگلیس، از وی خواسته است به خاطر گروگان‌های امریکایی در تهران و سز بیگاری گسترده‌ای که به دنبال تحریم اقتصادی ایران در انگلستان پدید خواهد آمد، از حمایت تحریم اقتصادی علیه ایران خودداری کند.

• خزرگاری فرانسه (۲/۱۶) -

از سرویس خبری مجاهد:

در شهرستانها چه می‌گذرد...؟

گزارشی از مراسم تشییع جنازه‌ی شهید سیاوش شمس

به ای ذنب قتلت به کدامین گناه کشند شدید گزارشی از مراسم تشییع جنازه‌ی شهید سیاوش شمس. ساعت ۵ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۹/۱۲/۱۸ مراسم تشییع جنازه‌ی برادر شهید، سیاوش شمس در حقه‌دار قهرمان و باسدار آزادی که روزیکشنبه ۵۹/۲/۱۴ هنگام دفاع از یک فروشنده‌ی مجاهد، توسط مردوران ارتجاع در اصفهان به شهادت رسید، از مقابل منزل او (درآبادان) با حضور بدرمادر، دوستان و بستگان و همچنین گروه کثیری از مردم و هواداران سازمان مجاهدین در آبادان، انجام گرفت. شرکت کنندگان

پدیده‌های بنام چماق و چماق داری

همی جهاتشان را به باد می‌دهد، بازارها را دارد... اگر آقایان سندی‌ها و سایر جاهانستنانسدو گفتند، تا این فاسد از بین نرود ما از این حال بلند نمی‌شویم. این حرف غیر - منطقی است این است که نمای کوئید که شما بروید همه در سرجای خودتان بنشیند و نشان کنید و جفاک بدستیا بیایند و بزنند و بکشند و... و شما هیچ حرف نزنید، این هاعم که رفیقانه و اعتصاب کرده‌اند، همه باید این “این جفاک بدستیا واجب التسلط” همه‌شان را باند کشت!! هرکس پیدا کند این جفاک - بدستیا را که مقدس فی الارض شمسید و در زمین دارد فساد می‌کنند، هر کس که یکی از اینها را بیدار کرد، بکشد او را، ما که می‌گوئیم دفاع از مملکتان می‌خواهیم بکنیم، دفاع از

حمله اوباش و چماق‌داران به بنگاه بخارائی

از حمیدی سن افراد نگاه بخارائی خصوصاً حمید بخارائی برادر سهد حمید بخارائی توسط اوباش و جفاوکسها به کتک خوردن و جانو خوردن نهد می‌شدند. حماق‌داران سهد می‌کردند که عماره را هم آس می‌زسم. با اسکله رور یکسکه عده‌ای از افراد معلوم الحال و جفاوکس به دنبال چهار برادر که در آن حوالی تراکهای اسخانی حخی می‌کردند آماده‌ی بودند، و مردم را علیه آنها حرکت می‌کردند. ولی چون ریاد کاری از بیس نردند طبق معمول شروع به باره‌کردن تراکها و کندن آنها از روی دیوارها و سینه‌ها کردند صما آن چهار نفر هم به حرم حخی تراک اسخانی به وسیدی کشته دستگیر شده و به کسبه برده شدند. اوباشان بعد از اس حرمان به سراج سگاه بخارائی می‌آمدو شروع می‌کند به کندن سوسرها و تراک‌هایی که در داخل سگاه و پشت سینه صب شده بود. در این

در اندوه خانواده‌ی شهید سهدیم شدند.

در مراسم عزاداری نیز که به طور همزمان با تظاهرات از جانب خانواده یا دوستان و بستگان شهید انجام گرفت، بدر شهید و چند تن از بستگان وی از شدت ناله به حالت اغما افتادند. پس از طی مراحل قانونی، جمعیت منایب کننده ضمن حمل جنازه‌ی شهید با شعارهای لاله‌الله‌الله و الله اکبر، اسلام بیروز است. ارتجاع نابود است به صلح جنوبی گورستان رفشه و جنازه‌ی سیاوش را در کنار آرامگاه شهیدای سینما رکس به خاک سپردند.

سین جمعیت ضمن ادای احترام به شهید قهرمان سیاوش شمس و خواندن فاتحه با ناله و اندوه فراوان به آرامی متفرق شدند. بی‌شک سیاوش نیز یکی از شهدای والا مقام و گرانقدر، از جمله باسداران خورشید آزادی است. خون چنین جوانان پرشوری هرگز هدر نخواهد رفت ما ضمن تبریک و تسلیت مجدد به خانواده‌ی شهید دلاور، دریس سامی اسپهاتمی که در ۱۵ ماهی اخیر جلوی آسگار

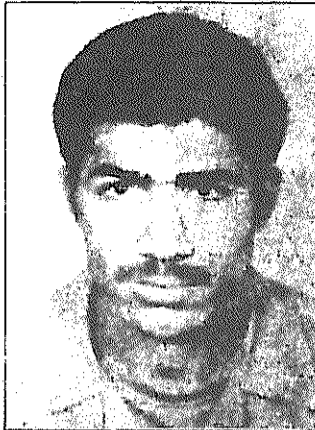
مسجد سلیمان:

گروه‌های مختلفی در مسجد سلیمان به حمایت از انتخاب محمد روریان و در حواست از مسئولین مملکتی برای اجرای قوانین مصوبه انتخابات، تلگرام‌هایی به ریاست جمهوری، وزارت کشور، ستاد مرکزی نظارت بر انتخابات، انجمن نظارت مرکزی مسجد سلیمان ارسال دانستند. نام برخی از این گروه‌ها عبارتند از: یوساران سمارستان سرتک - نفت - شورای اسلامی کارکنان سرتک بریزوان مسجد سلیمان - گروهی از پرسنل یادگان (دانش - آموزش، افسران و طبقه، کارسدان) -

در حاشیه‌ی انتخابات

کرد و مسئولیت هر گونه درگیری و برخورد راه عهده‌ی کسانی می - دانیم که مانع اجرای کار انجمن نظارت مرکزی طبق قوانین مصوبه شوند از این رو ما جهت جلوگیری از متشنج شدن این سامان، خواستار رسیدگی فوری به این مسئله می - باشیم تا انتخابات و استخراج آراء مراحل قانونی خود را طی کند. با تقدیم احترام محمد ابراهیم مجد آبادی نایب رئیس انجمن نظارت مرکزی مسجد سلیمان رونوشت: دفتر ریاست جمهوری استاندار خوزستان (آقای غرضی) رادو یوستیزون اهواز فرمانداری مسجد سلیمان مطبوعات و سرپرست ستاد انتخاباتی وزارت کشور، یک تلگراف فوری (در جواب سه نفر) به فرماندار مسجد سلیمان در همان تاریخ ارسال داشته است به شرح زیر: شماره ۱۲۲۰ تاریخ ۵۹/۲/۲۰ ۲۳۲۳/۵۵

از ستاد انتخابات کشور



سدن حقایق را کرمه، هنوز باسح سولاتان را نگرفته‌ایم: چرا مسئولین در تعقیب و مجازات عاملین اصلی و سلسله - جنبانان چنین حوادثی اهمال می‌ورزند؟ آخر ناکی باید در گوشه و کنار این سبھی خونبار باشد ریخته شدن خون بهترین و پرورنده‌ترین جوانان وطنمان باسیم؟ چه کسی مسئول پاسخ گویی به بدروصاداران داغ‌دیده‌ی آنهاست؟ و نهایتاً اینکه آیا باز باید شاهد ادامه و گسترش شوهه‌های آریامه‌ری باسیم...؟

کارگران و کارسدان کارخانه هخامنشی (با بیس از ۱۵۰۰ امضا) - کارکنان نیروی سجد سلیمان - گروهی از کارکنان سکه‌ی بهداری و سهرسی مسجد سلیمان - گروهی از بازاربانان مسجد سلیمان (با ستن از ۳۰ امضا) - گروهی از حواان سلمان صمون مسجد سلیمان - گروهی از جوانان سلمان سی ریح مسجد سلیمان - گروهی از کارکنان سمارستان ۲۲ سبمن و درمگاه‌های دولتی مسجد سلیمان - گروهی از دانش‌آموزان سلمان مسجد سلیمان ۴ - سر از کاندیداهای سرتک کننده در دور اول انتخابات (خیبری، قاضی، حسدیری، بابا احمدی)

بقیه از صفحه اول

از علاقمندان تقاضای شود که کمک‌های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران راه حساب جاری شماره “۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در پیچ شمیران واریز نمایند، و حواله‌ی آن را به صندوق پستی “تهران ۱۶ - شماره ۶۴/۱۵۵۱” ارسال دارند.

روزنامه “مجاهد” نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱



آثار چماق و چماق داری: این شیوه‌ی کثیف آریامه‌ری، سند رسواکننده‌ی ارتجاع بر بیسگر مردم



آثار چماق و چماق داری: این شیوه‌ی کثیف آریامه‌ری، سند رسواکننده‌ی ارتجاع بر بیسگر مردم